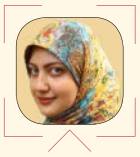
بازخوانی

غافلگیرمان کردید آقای شاعر!



لادن عظیمی
قفسه کتاب

غلامرضا طریقی را با کتاب «هر لبت یک کبوتر سرخ است» شناختم. غزل‌هایش همواره ورد زبانم بود. بعد از آن هر کتابی که نام طریقی را به دوش می‌کشید؛ بی‌بروبرگرد می‌خریدم. راستش را بخواهید این نام در ذهن من با شعر گره خورده‌بود اما «رنجین‌کمان» حکایت همیشگی را نداشت. نام غلامرضا طریقی روی جلد نشسته‌بود؛ در حالی که خبری از شعر نبود. طریقی در رنجین‌کمان به زبان نثر سخن می‌گوید. او ۲۵ روایت از رنج و صبر و عشق را در کتابش گنجانده‌است. روایت‌هایی که همه، از اتفاقاتی حقیقی سرچشمه می‌گیرد. روایت‌هایی که گاه شاعر ما خود در آن حضور داشته و گاه آنها را از زبانی شنیده‌است.

همه روایت‌های کتاب از درست‌ترین بزنگاه شروع می‌شود و با بهترین جملات پایان می‌یابد. پایان‌ها گاه مثل یک پتک بر سر خواننده می‌کوبند و او را به خود می‌آورند؛ و گاه او را به ساعت‌ها سکوت و اندیشیدن وا می‌دارند. طریقی چنان ماهرانه قصه آدم‌های دور و برش را نقل می‌کند که نمی‌توانی نخوانی و ادامه‌اش ندهی. او بلد است تو را پای قصه‌اش بنشاند و می‌داند کجای روایت را گره بیندازد و تو را به سودای گره‌گشایی با خود همراه کند. همین مهم‌ترین حسن کتاب است. در واقع خاطرات از مرحله خاطره عبور کرده و به روایت تبدیل شده‌اند. ما در رنجین‌کمان با تعدادی خاطره صرف روبه‌رو نیستیم. به زبانی دیگر، طریقی با آغاز و انجام درست و توصیفات بجا بر کالبد خاطرات روح دمیده‌است.

شاعرانگی طریقی در نثرش هویداست و این البته به هیچ‌روی از اثر بیرون نمی‌زند. زبان لطیف اثر در کنار نگاه منحصر به فرد او به روایت‌ها؛ وجهی شاعرانه به آنها بخشیده‌است. توگویی هر روایت غزلی عاشقانه است با مطلعی که خواننده را به خواندن ادامه آن راغب می‌کند و شاه‌بیتی که نقطه حیرت و تحسین است. رنجین کمان جهانی است که یک شاعر به نظاره آن نشسته‌است و آنچه را زیسته و آنچه شنیده و تماشا کرده، برایمان تعریف می‌کند. و البته شاید دعوتمان می‌کند که این‌گونه به جهان بنگریم.

شاعر نازک‌خیال ما، همانطور که خود در مقدمه اعتراف می‌کند، از کنار رنج آدم‌ها راحت نمی‌گذرد. همین دیدن و هم‌درد شدن، همین نشستن پای صحبت آدم‌های روایت‌هایش «رنجین‌کمان» را متولد کرده‌است. «رنجین کمان»؛ نام شاعرانه‌ای که انگار تمام غزل‌های جهان را طی کرده و به جلد این کتاب رسیده.

راستش را بخواهید آدم‌های «رنجین‌کمان»، آدم‌های معمولی اطراف ما هستند. همه آنها در نزدیکی ما زندگی می‌کنند. شاید در راه‌روی آپارتمان‌هایمان دیده‌باشیم‌شان و یا شاید در یک دانشگاه درس خوانده‌باشیم در کنارشان. شاید روزی در قطاری با آنها هم‌مسیر بوده‌ایم و یا در خیابانی شلوغ با تنه محکمی از کنارشان گذشته‌ایم. گذشته‌ایم و ندیدیم‌شان. هرگز ندیدیم‌شان و حالا از خواندن رنج‌هایشان متاثر می‌شویم. ختم کلام این‌که آقای شاعر انگار هر رنجی را که از بدل شدن به شعر قاصر بود؛ به روایت در آورده؛ روایت‌هایی که هر یک غزلی در بطن خود دارند. غافلگیرمان کردید آقای شاعر!

نگاهی به «ادموند»؛ یک رمان عاشقانه مهدوی

قصه‌ای جذاب با طعم انتظار



فاطمه عابدی
قفسه کتاب

شب‌ها دور از چشم دیگران تا نیمه‌های شب بیدار بود و با خداوند مهربانش به راز و نیاز می‌پرداخت. در این روزهای غربت که هیچ‌کس جرأت نداشت با او در مورد گذشته‌ها صحبت کند، فقط لحظه‌های ناب دعا می‌توانست در دل شب‌های تاریک و سکوت کشنده اطرافیان، مرهم دل ریش و قلب زخم‌خورده او باشد. دوری و هجران از عشق زمینی‌اش را کنار که می‌گذاشت، احساس می‌کرد آنچه به‌یک‌باره در قلب او شعله‌ور شده بود، اکنون بی‌هدف و ناامید رو به خاموشی می‌رفت؛ بی‌آن‌که بداند دلیل این همه شیدایی چه بود؟!

او مسلمان نشده بود چون عاشق یک دختر مسلمان شده و او را برای ازدواج انتخاب کرده بود! اسلام را پذیرفت چون باور داشت که تنها راه نجات و سربلندی‌اش در زندگی همین خواهد بود اما در این ۲۰ ماه گذشته که به اجبار تن به سکوت و تقیه داده بود، از فراموش شدن و فراموش کردن می‌ترسید؛ این‌که فراموش کند برای چه این همه سختی را به جان خرید و این‌که به دست فراموشی سپرده شود با وجود آتش اشتیاقی که برای وصال و دیدار آن یگانه منجی داشت!

آنچه خواندید، برگرفته از رمان دوجلدی «ادموند؛ اولین عاشقانه مهدوی»، نوشته خانم «آمنه پازوکی»؛ با محوریت موضوع منجی‌گرایی در ادیان الهی؛ به‌خصوص بحث مهدویت و روایتی متفاوت و مطابق با مسائل روز دنیاست که البته عاشقانه‌ای متفاوت نیز هست.

داستانی خواندنی از سرگشتگی و زندگی پرفرازونشیب یک جوان نخبه مسیحی- انگلیسی رهیافته به نام «ادموند پارکر»، دکترای رشته حقوق، از خانواده‌ای سرشناس و قدرتمند انگلیسی که متعهد به دینش و از ابتدا به‌دنبال منجی است. رشته‌خواب‌های آشفته‌ای می‌بیند و بعد از گذشت مدتی، احساس می‌کند عیسی مسیح(ع) در آن خواب‌ها برای نجاتش می‌آید. پس برآن می‌شود که دست‌تنها به جست‌وجوی تعبیر و حقیقت آنها بپردازد. در این مسیر دشوار، دختر جوان مسلمانی به نام «ملیکا» سرراهش قرار می‌گیرد که برای او نشانه‌ای از جانب خداوند می‌شود؛ نشانه‌ای حاکی از عشق عمیق و پیوند قلبی او به اسلام. پس تصمیم به ازدواج با ملیکا و تشرّف به دین اسلام می‌گیرد که همین مسأله سرآغاز بزرگ‌ترین دردسر زندگی‌اش می‌شود. در جریان اتفاقاتی، با فشار دست‌های پنهان صهیونیسم مجبور به جدایی از همسرش می‌شود و تا نزدیکی مرگ می‌رود اما معجزه‌ای او را به زندگی برمی‌گرداند. در دلش امید دارد که روزی عشقش را دوباره پیدا کند. بعد از گذشت دو سال فراق و جدایی، موقعیتی فراهم می‌شود که از انگلستان فرار کند و برای یافتن همسرش به ایران بیاید اما در ایران متوجه می‌شود که باید به عراق سفر کند... .

ادموند اصالتا یک عاشق و به دنبال عشقی تمام نشدنی است؛ عشقی آسمانی که به عشق زمینی منتهی می‌شود؛ عشقی از جنس مهدی موعود(عج). پس برای وصول و یافتن آن عشق بی‌نهایت، تا پای جان می‌ایستد و درنهایت به یگانه منجی قطب عالم امکان و دردانه هستی که خود عشق است، رهیافته می‌شود.

به گفته خانم پازوکی، دلیل انتخاب این اسم برای کتاب این است که: «ما شخصیت منجی را جهانی می‌بینیم و من هم سعی کردم پای همه دنیا را به مبحث منجی‌گرایی باز کنم و پا فراتر بگذارم به آن سوی دنیا، ادیان دیگر و نگاه آنها به بحث منجی.»

ادموند یک شخصیت تخیلی اما برگرفته از داستان زندگی شخصیت‌های برجسته و به‌یادماندنی تاریخ مسیحیت و اسلام است؛ مانند شهید ادوارد و آنیلی، مالکوم ایکس و سایر افرادی که به معنی واقعی آزاده و آزاداندیش بودند که البته مصداق‌های بیرونی با داستان‌هایی مشابه نیز دارد.

ادموند به معنای مدافع توانگر، مسیحی اهل ادب و احترامی که در نهایت مسلمان و شایسته نامش شد؛ مدافع معنوی و مالی برای اسلام. او سمبل تمام انسان‌های آزاده و متدین هرکجای کره زمین است که برای یافتن نور حقیقت و آن یگانه منجی موعود از مسیرهای صعب‌العبور می‌گذرند تا خود را به آخرین حجّت خداوند روی زمین برسانند و چه بسا در این راه، متحمل رنج‌های بی‌شمار شوند اما عشق سوزان و چشمه جوشان ایمان‌شان به آن حضرت، آنها را در رسیدن به این هدف نهایی یاری می‌رساند.

هرچند ادموند، از آن دسته کتاب‌های کم‌سر و صدا و کمتر شناخته شده است؛ گروهی کتاب را به‌شدت دوست داشته‌اند و دیگرانی هم نسبت به سبک نگارش و محتوای کتاب، انتقادهای جدی داشته‌اند و عاشقان روایت‌شده و حواشی آن را در شأن یک کتاب دینی و مهدوی نمی‌دانند. البته عشق زمینی ادموند و ملیکا اتفاقا در حاشیه داستان است و آن عشق آسمانی آنها به منجی موعود است که کنار هم قرارشان می‌دهد. همچنین نویسنده این رمان با بهره‌گیری از ابزار هنر و ادب، به‌صورت هنرمندانه‌ای مفاهیم ارزشی را در لابه‌لای گفت‌وگوهای روزمره شخصیت‌ها بیان کرده است.

این کتاب که برای اولین‌بار زمستان ۹۴ منتشر و چاپ سوم دو جلد هم اردیبهشت ۹۵ انجام شد، به‌عنوان رمان شایسته تقدیر در همایش بین‌المللی دکترین مهدویت معرفی شده است.

از من می‌شنوید، لذت خواندن این رمان زیبای عاشقانه مهدوی را از دست ندهید.

ادموند اصالتا یک عاشق و به‌دنبال عشقی تمام‌نشدنی است؛ عشقی آسمانی که به عشق زمینی منتهی می‌شود؛ عشقی از جنس مهدی موعود(عج)



نویسنده: آمنه پازوکی
ناشر: یقظه
۶۰۰ صفحه
۸۰۰۰۰ تومان